



Hijab is a Necessity for the Dignity of Women in Ancient Iran

Abbas Ali Akhavan Aramaki *

1- Faculty member, Kashan University

Abstract:

The origin of most moral deviations between young people is in their thought. Informing this generation has an extraordinary importance. Nowadays one of the most important problems in our sociality is HEJAB that takes many attentions. Some people that didn't agree with HEJAB say this is related to Islam and before that in Iran women had no HEJAB. The modesty is natural and human like the wearer by nature and is running away from nakedness, so from the past women have had wearer. "Book of Kings"(epic poetry and legendary history of Iran by Ferdowsi) is the oldest documents from old Iran introduce Iranian women with wearer. In this study we considered HEJAB in religions before Islam and women's HEJAB from Medes period tile Susanne period, we conclude from witnesses in inscription that women in old Iran had wearer from their head to their foot. It is clear that in old Iran HEJAB was a moral duty and made respect for women.

Review History:

Received: 1404/4/12

Revised: 1404/6/18

Accepted: 1404/9/3

Available Online: 1404/10/1

Keywords:

HEJAB

Wearer

Book of Kings

Susanne

Medes

Ashkani

Achaemenian

How To Cite This Article:

Akhavan Aramaki, A. (2025). – Hijab is a Necessity for the Dignity of Women in Ancient Iran.
Strategic Studies of Women, Defense and Peace, 2(6) 43-57 (In Persian)



*Corresponding author's email: Akhavan1330@yahoo.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Green Wave Pub. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License. For more information, please visit <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



حجاب لازمه کرامت زنان ایران باستان

عباسعلی اخوان ارمکی^{۱*}

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۱۴۰۴/۴/۱۲

بازنگری: ۱۴۰۴/۶/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۳

ارائه آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۱

کلمات کلیدی:

حجاب

کرامت

ایران باستان

ریشه بیشتر انحرافات اخلاقی نسل جوان را باید در لابلای افکار و اندیشه های آنان جستجو کرد. راهنمایی و آگاهی دادن به این نسل اهمیت فوق العاده ای دارد. یکی از مسائل مهم جامعه امروز ما، مسأله حجاب است که اندیشه های بسیاری را به خود مشغول داشته است. تا جایی که گروهی از مخالفان حجاب، پوشش زنان ایران را به دوران اسلامی نسبت داده و زنان ایران قبل از اسلام را بی حجاب معرفی کرده اند. از آنجا که عفت و حیا امری فطری است، انسان به صورت طبیعی پوشش را دوست دارد و از برهنگی گریزان است. لذا، از دوران های گذشته زنان پوشش داشته اند. شاهنامه فردوسی که کهن ترین سند تاریخی ایران باستان است. زنان اصیل ایران را با حجاب معرفی کرده است. در این تحقیق که به روش پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام شده است، بعد از بررسی چگونگی حجاب پیروان ادیان و تمدن های قبل از اسلام، حجاب زنان دوره های ماد تا ساسانی را بررسی خواهیم کرد و با ذکر شواهدی از زنان آن دوره که در کتیبه ها بدست آمده است، به این نتیجه خواهیم رسید که زنان اصیل و با کرامت ایران باستان پوششی داشته اند که از سرتا پا را می پوشانده است.



برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Akhavan Aramaki, A. (2025). – Hijab is a Necessity for the Dignity of Women in Ancient Iran. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(6) 43-57 (In Persian)



۱- مقدمه

از آن هنگام که انسان توانست سوزن بسازد، به کار بافندگی پرداخت. با پشم گوسفند و الیاف گیاهان لباس هایی برای خود تهیه کرد و همین لباس است که جامه مرد هندی و شنل یونانی و لنگ مصری قدیم و سایر اقسام گوناگون و جذاب لباس را در دوره های مختلف تشکیل داده است. پس از آن انسان از عصاره گیاهان با خاک های ملون موادی به دست آورد و لباس را رنگ کرد و به این ترتیب لباس های رنگین خاصی برای فرمانروایان درست شد.

آنچه به نظر می رسد بافتن لباس در ابتدا مانند بوریا بود و نخ ها را یک به یک به هم می بافته اند. پس از آن قطعه های پوست حیوان را سوراخ کرده، مانند بند شکم بند یا بند کفش به هم متصل می کردند. کم کم الیافی که به کار می رفته ظریف تر شده و حالت نخ را پیدا کرده و لباس به صورت امروزی بوجود آمده است.

اولین پوشش و حجاب به داستان حضرت آدم (ع) بر می گردد که در قرآن درسوره «اعراف آیه ۱۱-۲۷» و در سوره مبارکه «طه از آیه ۱۱۶-۱۲۳» بیان شده است؛ حوا پوشش و حجابی داشته که بعد از آن که آدم و حوا برهنه شدند، خداوند امر کرد قوچی را ذبح کنند، سپس حوا پشم آن را رشت و با یاری آدم (ع) از تابیده های آن یک جامه بلند برای حضرت آدم و یک پیراهن و روسری برای خود بافت. بدین ترتیب نخستین انسان با حجاب حوا بود (وشنوی، ۱۳۵۲: ۱۴۸).

از آنجا که عفت و پاکدامنی امری فطری است، انسان عفت و پاکدامنی را دوست دارد و از برهنگی گریزان است. لذا؛ از دوران گذشته پوشش وجود داشته است و حتی در برخی از اقوام و ادیان در تاریخ به سختگیری های عجیبی درباره حجاب بر می خوریم.

«در قرون وسطی یهودیان همچنان نسوان (زنان) خویش را با لباس های فاخر می آراستند. کسی به آنها اجازه نمی داد که با سر عریان به میان مردم روند. نپوشاندن موی سر خلافی بود که مرتکب آن را مستوجب طلاق می ساخت» (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۱۲، ۶۲).

همچنین از جمله قوانین تلمود است که شخص باید از هر وضعی که شور و شهوات انسانی را بر می انگیزد دوری جوید، هرگز نباید به هنگام راه رفتن پشت سر زنی (حتی زن خویش) قدم بر دارد. مرد اگر در عقب شیر ژیان گام بردارد بهتر است تا پشت سر زنی حرکت کند.

اگر چه اغلب محققان بر این باورند که در جاهلیت عرب، حجاب وجود نداشته است، اما برخی شواهد نشان می دهد که بیشتر زنان عرب نیز حجاب داشته اند. از اشعار عرب در مورد زنان معلوم می شود که حجاب نزد زنان اشراف و بزرگان آنها رایج بوده است. تا جایی که روزی جوانی از طایفه بنی کنانه مزاحم زنی از قبیله بنی عامر که چهره اش پوشیده بود می شود، آن زن صدایش بلند می شود و همین مزاحمت باعث جنگ بین این دو طایفه می گردد (علی برهان الدین، ۱۴۰۱: ج ۲، ۴۹).

مشهورترین گروه هایی که قبل از اسلام زندگی می کرده اند، مجوسیان ایران، براهمه، بودائیان، مسیحیان و امت عرب بودند که در همه آنها حجاب در بین زنان نشان رایج بوده است.

استاد شهید «مرتضی مطهری» معتقد است که قبل از اسلام حجاب وجود داشته و درباره زن بسیار سخت گیری می کرده اند. او در این باره می فرماید: «تا آنجا که من در کتاب های مربوطه مطالعه کرده ام در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده بسیار سخت تر بوده است». (مطهری، ۱۳۵۷: ۵)

«جواهر لعل نهرو» نخست وزیر فقید هند عقیده دارد که حجاب از ملل غیر مسلمان روم و ایران به جهان اسلام وارد شد. در کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» ضمن ستایش از تمدن اسلامی، به تغییراتی که بعدها پیدا شد اشاره می کند و از آن جمله می نویسد: یک تغییر بزرگ و تاسف آور نیز تدریجاً روی نمود و آن در وضع زنان بود. در میان زنان عرب رسم حجاب و پرده وجود نداشت. زنان عرب جدا از مردان و پنهان از ایشان زندگی نمی کردند، بلکه در اماکن عمومی حضور می یافتند. به مجالس

وعظ و خطبه می رفتند و حتی خودشان به وعظ و خطبه می پرداختند. اما عرب ها بر اثر موقعیت ها تدریجاً بیش از پیش رسمی که در دو امپراطوری مجاورشان یعنی؛ امپراطوری روم شرقی و امپراطوری ایران وجود داشت، اقتباس کردند. عرب ها امپراطوری روم را شکست دادند و به امپراطوری ایران پایان بخشیدند، اما خودشان هم گرفتار عادات و آداب ناپسند این امپراطوری ها گشتند. به قراری که نقل شده است مخصوصاً بر اثر نفوذ امپراطوری قسطنطینه و ایران بود که رسم جدایی زنان از مردان و پرده نشینی ایشان در میان عرب ها رواج پیدا کرد. تدریجاً سیستم حرم آغاز گردید و مردها و زن ها از هم جدا شدند. (جواهر لعل نهرو، ۱۳۸۸: ۳۲۸)

از سخنان نهرو چنین برداشت می شود که رومیان نیز حجاب داشته اند و رسم حرمسرداری از روم و ایران و به دربار خلفای اسلامی راه یافته است. آنچه مسلم است، حجاب درهند نیز همانند ایران باستان سخت و دشوار بوده است. در میان قبایل دیگر نیز حجاب رواج داشته است، آن گونه که «ویل دورانت» نوشته است: «بالاخر از سرزمین ارمنیان و در کنار دریای سیاه، سکاها بیابان گردی می کردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند». (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۲، ۶۷)

البته قبایل وحشی و نیمه وحشی هم وجود داشته که از برهنه بودن هیچ احساس شرمی نداشتند و درباره برخی اقوام عرب نیز نقل شده است که برهنه طواف می کردند و عقیده داشتند در لباسی که معصیت خدا انجام شده است، نباید طواف کرد. به طور یقین قبل از اسلام حجاب در جهان وجود داشته است و اسلام مبتکر آن نیست.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون درباره حجاب و اهمیت آن در ادیان آسمانی تحقیقات بسیاری به وسیله نویسندگان سایر کشور ها انجام شده، که حاصل آن ده ها کتاب و مقاله شده است. اما درباره حجاب و پوشش زنان ایران باستان به ندرت پژوهشی انجام شده و اگر هم تحقیقی انجام گرفته دوره ای خاص از تاریخ ایران باستان را در بر می گیرد. در سال (۱۳۹۰) افهمی رضا و همکارانش تحقیقی با عنوان «طراحی پوشاک در دوران اشکانیان» انجام داده اند. پژوهشگران در این تحقیق به این نتیجه رسیده اند، که لباس اشکانی ادامه سیر تکامل تن پوش هخامنشی و نفوذ هنر یونانی است و تنها در لباس زنان و به ویژه در مناطق غربی ایران قابل مشاهده است. لباس ها از نظر طراحی محدود و لباس مردان دارای شلوار متشکل از دو پارچه مجزای آویخته از کمر و پوشش بالاتنه تونیک ساده مادی یا کت و تشک سوارکاری بوده و در هر دو مورد دارای برش ساده مستطیل شکل است. لباس زنان فاقد دوخت و متشکل از قطعات پارچه عریض پوشیده شده بر روی یکدیگر و شکل کلی آن با برش های محدود پارچه، رویه دوزی، حمایل و کمربندهای پارچه ای و آرایه های الحاقی شکل گرفته است.

همچنین، در سال (۱۳۸۹) رجبی، عباس تحقیقی با عنوان «حجاب در ادیان و اقوام گذشته» انجام داده اند. نویسنده در این تحقیق به این نتیجه رسیده، که در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه بطور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند، یاد می کنند.

۱-۲. اهمیت موضوع

یکی از مسایل مهم امروز جامعه ما مسئله حجاب است. اگر چه با پیدایش ادیان، موضوع حجاب به خاطر سلامت فرد و جامعه همواره بخشی از رسالت انبیاء و اولیاء الهی بوده است و علمای دینی در هر زمان بر این مهم سفارش کرده اند، اما امروز برای به انحراف کشاندن اذهان جوانان برخی تبلیغ می کنند و می گویند: در ایران باستان هیچگونه حجابی وجود نداشته و

زنان بی حجاب بیشتر مورد پذیرش افراد بوده اند و همه با احترام به آنان می نگریستند و بعد از پیدایش اسلام زنان به اجبار حجاب را پذیرفتند. لذا؛ بررسی حجاب لازمه کرامت زنان ایران باستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۱-۳. سوال های تحقیق

- ۱- حجاب زنان ایران باستان چگونه بود؟
 - ۲- آیا زنان با کرامت جامعه پوششی نداشتند؟
 - ۳- آیا در آن دوره برای زنان بی حجاب احترام خاصی قائل بودند؟
- در این مقاله که به روش کتابخانه ای انجام گرفته است به کتاب ها و آثار بر جای مانده و نقوش زنان ایران باستان که در حفاری ها بدست آمده مراجعه شده است.
- هدف از این تحقیق: روشن شدن اذهان مردم، بویژه نسل جوان درباره حجاب زنان با کرامت ایران باستان است.

۲- تعاریف واژگان

۱-۲. ایران باستان

تاریخ ایران به سه بخش؛ پیش از اسلام، بعد از اسلام و عصر انقلاب تقسیم می شود.

در دوره پیش از اسلام سلسله های ماد (آغاز قرن هشتم قبل از میلاد-۵۵۰ ق.م)، سلسله هخامنشی (۵۵۹ ق.م-۳۳۰ ق.م)، سلسله سلوکیان (۳۳۰ ق.م-۱۲۹ ق.م)، سلسله اشکانیان (۲۵۶ ق.م-۲۲۴ م.) و سلسله ساسانی (۲۲۴ م.-۶۵۲ م.) حکومت می کردند. این دوره را که قبل از اسلام است، ایران باستان می گویند (معین، ۱۳۸۱: ج ۵، ۲۰۹).

۲-۲. کرامت

کرامت به معنای عزیز و بزرگواری است. واژه کرم، به معنای نفیس گردیدن و با عزت شدن اخلاق و کارهای پسندیده و ضد پستی و فرومایگی معنا شده است (معین، ۱۳۸۶: ج ۳، ۲۴۱). کرامت در فرهنگ اسلامی به معنای اخلاق پسندیده و بزرگواری است، که در برابر هرگونه پستی و زبونی قرار دارد. لذا؛ کرامت، اخلاق نیک و دوری از هرگونه پستی و فرومایگی است (عبدالواحد الآمدی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۲۹).

خداوند متعال در اولین سوره ای که به پیامبر اکرم (ص) نازل کرده، خود را با ویژگی کرامت ستوده، می فرماید: «اقرا و ربک الاکرم» (قرآن، ۱۳۳۸: علق، ۳). از آنجا که انسان برای جانشینی خداوند، باید صفات و ویژگی های لازم را دارا باشد، خدای سبحان، کرامت را در ذات و سرشت او نیز قرار داده، تا انسان با پرورش و شکوفایی آن و دیگر فضایل اخلاقی، طریق رشد و کمال را پیموده، به مقام جانشینی پروردگار دست یابد. قرآن کریم کرامت ذاتی انسان را مورد تأیید قرار داده، می فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم...» (قرآن، ۱۳۳۸: اسراء، ۷۰). ما به فرزندان آدم، کرامت بخشیدیم.

۳-۲. حجاب

حجاب به معنی، پرده، ستر، نقابی که زنان چهره خود بدن پوشانند. روبند، مرقع، چادری که زنان سرتاپای خود بدن پوشانند آمده است. (معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ۹۸۷) استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. زیرا در قدیم، مخصوصاً در اصطلاح فقها، به جای آن واژه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می رفته است (مطهری، ۱۳۵۷: ۶۴). کلمه حجاب که در روزگار ما به عنوان پوشش زن بکار می رود، هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده و حاجب است. بیشتر کاربردش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش دارد که پرده وسیله پوشش است.

شاید بتوان گفت: هر پوششی حجاب نیست، آن پوششی حجاب است که از پشت پرده باشد. (مطهری، ۱۳۵۷: ۷۸) در قرآن کریم در داستان حضرت سلیمان (ع) غروب خورشید اینگونه توصیف شده است: «حتی توارت بالحجاب» (قرآن ۱۳۳۷:، سوره ص، آیه ۳۲) یعنی؛ آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شده بود.

حجاب در لغت نامه ها معانی متعدد زیر را دارد:

- ۱- رداء و پوششی که سراسر بدن را بپوشاند.
 - ۲- منظور جلباب یا عبا است که همه بدن را می پوشاند.
 - ۳- ملحفه و پارچه بزرگی است که از روسری بلندتر است و سرو گردن و سینه را می پوشاند (معین، ۱۳۸۱: ج ۱، ۹۸۷).
 - ۴- منظور لباس گشادی است، که از روسری گشادتر و از رداء کوتاهتر است.
 - ۵- برخی آنرا مقنعه گفته اند، که زن سر را با آن می پوشاند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۷، ۴۳۷).
- در فرهنگ پهلوی به واژه «Vatur» بر می خوریم که به معنای چادر و پوشش است که از واژه های پهلوی است و نشان می دهد این واژه از ابتدای دوره ساسانیان و حتی قبل از آن کاربرد داشته است (علوی، ۱۳۷۷: ۴۳).

۳- حجاب در پیروان ادیان قبل از اسلام

۱-۳. حجاب در پیروان تورات

تورات به پاکدامنی و حجاب زن بسیار تاکید کرده است. تورات درباره رفقه دختر بتوئیل که با نا محرم برخورد می کند چنین می گوید: «رفقه چشمان خود را بلند کرد، اسحاق رادید و از شتر فرود آمد. از خادم پرسید: این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع گرفته خود را پوشاند» (تورات، سفر پیدایش، باب ۲۴، فقره ۶ و ۷). همچنین در تورات آمده است که افراد بی حجاب مورد خشم خداوند واقع خواهند شد. لذا؛ در این کتاب مقدس آمده است که خداوند می فرماید: «از این جهت که دختران صهیون متکبر هستند و باگردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و با پا های خویش خلخال ها را به صدا در می آورند، بنابراین؛ خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و خداوند عورت ایشان را برهنه خواهد نمود. و به عوض عطریات عفونت و به عوض کمر بند ریسمنان و به عوض موهای بافته، کلی و به عوض سینه بند زنار پلاس و به عوض زیبایی سوختگی خواهد بود» (تورات، کتاب، اشعیا، نبی، باب سوم، فقره ۱۶-۲۵).

همچنین تورات در مورد دختر «مو آبی» می گوید: «برغر گفت: زنهار کسی نفهمد که این زن به خرمن آمده است و گفت چادری که بر تو است بیاور و بگیر» (تورات، کتاب روت باب اول، فقره ۱۵).

در مورد حجاب عروس یهودا در تورات آمده است: «پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرده برقی پوشید و خود را در چادری پوشانید» (تورات سفر پیدایش باب ۳۸، فقره ۱۴ و ۱۵).

ویل دورانت عقیده دارد: اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنان که مثلاً؛ بی آن که چیزی بر سر داشت میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سختی با مردان درد دل می کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت، بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۱۲، ۳۰).

۲-۳. حجاب در پیروان شریعت زرتشت

زرتشت که برخی او را فردی صالح معرفی کرده اند و برخی دیگر او را پیامبر خدا می دانند، به مساله حجاب بسیار اهمیت می داده است. لذا؛ در کیش آریایی، زنان محترم محبوب بوده اند. زرتشت در کتاب «یسنا» بر عفت در کنار پوشش ظاهری

پافشاری می کرده است. (شهرزادی، ۱۳۶۷: ۶۳) در اوستا آمده است: «همگان سرخود را می پوشیم و آنگاه به درگاه دادار اهورامزدا نماز می کنیم» (خرده اوستا، فصل آفرینگان).

زنان طبقات بالای جامعه در کیش ایران باستان برای حفظ حیثیت طبقه ممتازی که داشتند و برای ایجاد حدودی که آنها را از زنان عادی و طبقه چهارم برتر نشان دهد، صورت خود را می پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگاه می داشتند. (صدر، ۱۳۸۷: ۷) روسری بانوان زرتشتی پارچه رنگین و با نقش و نگار به طول حدود سه مترنیم و عرض یک متر بود که روی کلاهک می گذاشتند و با دستمال روی آن می بستند (آشتیانی، ۱۳۷۳: ۹۱).

۳-۳. حجاب پیروان دین مسیح (ع)

دین مسیح همچون دیگر ادیان آسمانی به حجاب و پوشش زن بسیار اهمیت می داده و آن را مورد تاکید قرار داده است. آن گونه که در انجیل آمده است: «همچنین زنان، خویشتن را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گرانبها...» (انجیل، رساله اول پولس، باب دوم، فقره ۱۵ و ۱۶) در قسمت دیگری از انجیل آمده است: «و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس، بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیرفاسد، روح حلم و آرام که نزد خدا گرانبهاست. زیرا بدین گونه، زنان مقدس در سابق نیز که متوکل به خدا بودند خویشتن را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند. مانند ساره که مطیع مریم بود» (انجیل، رساله، پطرس، باب سوم، ۶-۱۵).

جرجی زیدان دانشمند معروف مسیحی می نویسد: «اگر مقصود از حجاب، پوشاندن بدن بوسیله چادر و روسری و نقاب و امثال آن است، این موضوع قبل از اسلام و حتی پیش از دین مسیح بوده و مسیحیت هم در آن تغییری نداده است» (جرجی زیدان، ۱۳۵۶: ج ۳: ۵۶).

«ترتولیان» مرجع بزرگ مسیحیت برای داشتن حجاب بسیار سفارش کرده و در این باره فرموده اند: «زن باید کاملاً در حجاب پوشیده باشد، الا مگر در خانه باشد. زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید.

برای زن مومن عیسوی در نظر خداوند پسندیده نیست که به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن باید اختفاء و پوشیده باشد. زیرا برای بینندگان خطرناک است.

درست کردن موی سر و آرایش آن و تنظیم آن ها در آئینه فقط از خصوصیات زنانی است که شرم و حیا را از دست داده اند» (صدر، ۱۳۸۷: ۵۲). آنچه مسلم است حجاب در دین مسیح خیلی سخت تر از دین اسلام است، از گفتار بالا چنین بر می آید که زن نباید چهره اش را مرد نامحرم ببیند. لذا؛ در جامعه باید با صورت پوشیده ظاهر شود (اشتهاردی، ۱۳۵۴: ۱۴۵).

۴- حجاب و پوشش مردم تمدن های قبل از اسلام

۴-۱. حجاب و پوشش سومریان

آثار به جا مانده از سومریان گویای آن است که از پوست گوسفند و پشم تابیده نازک برای خود لباس تهیه می کردند. زنان روپوشی روی شانه چپ برروی بدن خود می انداختند و مردان پوشش خود را به کمر می بستند و نیمه بالای تنشان برهنه می ماند. ولی با پیشرفت تمدن لباس هم بلندتر شد، در آن وقت بدن خود را تا گردن با آن می پوشانیدند. زنان و مردان خدمتکار در داخل خانه تنها پوششی به کمر خود می بستند و بالاتنه شان برهنه بود. این افراد معمولاً کلاهی بر سر، نعلینی بر پا داشتند، ولی زنان ثروتمند کفش های بی پاشنه از پوست نرم می پوشیدند، که روی آن بندی شبیه به بندکفش های امروزی وجود داشت (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۲، ۴۰۷).

۲-۴. حجاب در مصر باستان

در مصر قدیم در ابتدا کودکان تا حدود ۱۳ سالگی سرتاپا برهنه بودند و جز گوشواره و کمر بند هیچ چیز با خود نداشتند. ولی دختران کمی شرم داشتند و به کمرگاه خود کمربندی از مروارید و خرمهره و نظایر آن می آویختند. خدمتگزاران و کشاورزان تکه پارچه ای به دور کمر خود می بستند. «در دوره سلطنت قدیم بدن مردان و زنان در کوچه و بازار تا نافگاه برهنه بود و لنگ کوتاهی از پارچه سفید تا بالای زانورا می پوشانید» (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۲، ۱۷۹).

آن گونه که در مجسمه رانوفر (RANOFR) مشاهده می شود کاهنان نیز به پوشاندن عورت بسنده می کردند. در دوره سلطنت میانه لنگ دیگری بلندتر از لنگ نخستین بر آن افزوده و سپس پوششی برای سینه و روپوشی برای شانه ها اضافه کردند. زنان پارچه عریض و طویلی بر دوش می انداختند و کنار آنرا زیر پستان راست، سنجاق می زدند و کم کم زر دوزی و گلدوزی و حاشیه دور لباس رواج یافت (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۲، ۱۱۳).

۳-۴. حجاب زنان مردم بابل

در میان بابلیان زن و مرد هر دو گیسوان خود را بلند نگاه می داشتند، حتی مردان هم گیسوان خود را فرو می ریختند. مردان غالباً ریش داشتند و کلاه گیس به سر می گذاشتند. لباس معمولی هر دو جنس میان بندی از کتان سفید بود که تا نزدیک روی دو پا را می پوشانید. اما این پوشش در زنان شانه چپ برهنه می ماند. مردان بر این لباس مشترک قبا و عبایی می افزودند. در آن هنگام که ثروت عمومی فزونی پیدا کرد، مردان به رنگ های گوناگون علاقه پیدا کردند و لباس های رنگارنگ از جمله کبود، سرخ یا سرخ کبود پوشیدند. چنان بود که رنگ ها به صورت خطوط یا دوائر یا نقطه هایی در می آمدند. بابلیان مانند سومریان پا برهنه راه نمی رفتند، بلکه پا پوشش های خوشگلی به پا می کردند و مردان دوره حمورابی عمامه به سر می گذاشتند، زنان با گردن بند و دست بند و نظر قربانی خود را می آراستند و گیسوان خود را بامهر هایی که مرتب به آنها بسته می شد زینت می دادند (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۲، ۳۲۳).

۵- حجاب زنان در شاهنامه

اگر چه «فردوسی» در برخی از داستان های «شاهنامه» زنان ایرانی را بی حجاب معرفی کرده، ولی زنان اصیل ایران را همه جا عقیف و پاک دامن و باحجاب معرفی کرده است. او در شاهنامه «شیرین» همسر پرویز را اینگونه معرفی می کند:

به سی سال بانوی ایران بدم	به هر کار پشت دلیران بدم
نجستم همیشه جز از راستی	زمن دور بد کژی و کاستی
سه چیزی باشد زنان را بهی	که باشند زیبای گاه و مهی
یکی آنکه با شرم و با خواسته	که جفتش بد و خانه آراسته
دگر آنکه فرخ پسر زاید او	ز شوی خجسته بيفزاید او
سه دیگر که بالا و رویش بود	به پوشیدگی نیز مویش بود
بدانگه که من جفت خسرو بدم	به پوشیدگی در جهان نو بدم

یا در آنجا که می گوید:

مرا از هنر موی بد در نهان	که او را ندیدی کس اندر جهان
نمودم همین است و آن جادوی	نه از تنبل و مکرر از بد خوئی
بگفت این و بگشاد چادر ز روی	همه روی ماه و همه مشک موی

نه کس موی او پیش از این دیده بود نه از مهتران نیز بشنیده بود
(فردوسی، ۱۳۷۵: ج ۹، ۲۸۸ و ۲۸۹)

در شاهنامه «رودابه» فقط گیسو را برای زال می پروراند و از آن کمندی می سازد و زال را با آن نجات می دهد:

فرو هشت گیسو از آن کنگره که یازید و شد تا به بن یکسره
پس از باره رودابه آواز داد که ای پهلوان بچه گرد زاد
بگیر این سرگیسو از یکسویم ز بهر تو باید همی گیسویم
بر آن پرورانیدم این تار را که تا دستگیری کند یار را

در جای دیگر «گردآفرید» سلحشور به جنگ «سهراب» می آید، آنگونه گیسوان را پنهان کرده که سهراب از دختر بودنش آگاه نمی شود.

نهان کرد گیسو به زیر زره بزد سربر آن ترک رو می گره
ندانست سهراب کو دختر است سر موی او از در افسر است
شگفت آمدش گفت از ایران سپاه چنین دختر آید به آوردگاه
(فردوسی، ۱۳۷۵: ج ۸، ۲۳۵)

فردوسی در بیان ویژگی های زن «کسری انوشیران» می سرايد:

اگر پارسا باشد و رایزن یکی گنج باشد پراکنده زن
خرمند و با دانش و رای شرم سخن گفتنش خوب و آوای نرم
(فردوسی، ۱۳۷۵: ج ۹، ۳۴۵)

در پیامی که «منیژه» به «بیژن» می دهد، چنین می گوید:

به پرده درون دخت پوشیده روی بجوشید مهرش بر آن مهرجوی
و در آمدن «منیژه» نزد رستم، منیژه می گوید:

منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده تنم آفتاب
(فردوسی، ۱۳۷۵: ج ۸، ۳۵۴)

فردوسی در شاهنامه قدمت حجاب زنان ایران را از ابتدای تاریخ، یعنی از دوران پادشاهی جمشید و فریدون می داند. چنانکه در گرفتار شدن دو خواهر جمشید به دست ضحاک می گوید:

دو پاکیزه از خانه جمشید برون آوردیدند لرزان چوبید
که جمشید را هردو خواهر بدند سر بلنوان را چو افسریدند
بپوشیده رویان یکی شهرناز دگر ماهروئی به نام ارنواز
به ایوان ضحاک بردندشان بدان اژدها فر سپردند شان
(فردوسی، ۱۳۷۵: ج ۹، ۱۲۴)

۶- حجاب زنان ایران در عهد مادها

آن گونه که در نقش های برجامانده این دوره آشکار است، زنان ماد هیچگونه پوششی به روی سر نداشته و موهایشان را از پشت گوش به عقب، روی شانه می ریخته اند. لباس ها مدل دار نبوده و جامه معمولاً دو تکه بوده که تکه رویی دو طرف بغل پا دالبرداشته، به طوری که لباس زیرین هویدا است. زنان پای افزار و کفشی نداشته و پا برهنه بوده اند (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۱، ۴۰۷).

پس از قدرت گرفتن دولت ماد و ثروتمند شدن آنها، وضعیت ظاهر و پوشش و تجملات آنها نیز تغییر کرد و به قول ویل دورانت «مردان طبقات بالای اجتماع بند مد و زندگی تجملی شده بودند، مردانشان شلوار قلابدوزی شده می پوشیدند و زنان خود را با غازه و جواهر می آراستند» (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ج ۱، ۴۰۸).

آنچه مسلم است، زنان ماد از پوشاک مجلل و پرچین معمول استفاده می کرده اند. (ضیاء پور، ۱۳۴۷: ۶۱) لباس زنان درباری، شامل کتیونی پر حجم و پرچین بوده که گاه تن پوشی نظیر چادر امروزی نیز بر روی سروگردن خود می انداختند (ایرانیکا، ۱۳۸۲: ج ۵، ۷۳۶).

۷- حجاب زنان ایران در عهد هخامنشیان

از بررسی های حجاب زنان عهد هخامنشی چنین حاصل می شود که زنان آن دوره از لباس های گوناگون برای پوشش استفاده می کرده اند و پارچه شنل ماندی که شبیه به چادر بوده است، روی سر می انداختند. گواه این مطلب قطعه فرش کوچکی است که در محل گورکان های پازیریک واقع در شوروی به دست آمده که یکی از مستشرقین شوروی به نام «رودنکه» آنرا متعلق به دوره هخامنشی می داند. این فرش که مشتمل بر چند مربع است، روی هر مربع صحنه ای دیده می شود که چهار زن در مقابل آتشدان مشغول انجام مراسم مذهبی هستند. در این نقش، لباس زنان به رنگ زرد، قرمز و قهوه ای نشان داده شده است که در روی لباس ها تزئیناتی دیده می شود. این فرش ظریف که هر سانتیمتر مربع آن از یک طرف بیست و دو گره و از طرفی دیگر بیست و چهار گره است، در آن زنان چهره خود را نپوشانده اند (ماریا بروسوس، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

از این عصر نقش دیگری وجود دارد که زنان بومی عهد هخامنشی را سوار بر اسب نشان می دهد، که از پهلوی بر اسب سوارند و پوششی مستطیل شکل بر روی همه لباس خود افکنده اند و در زیر آن یک پیراهن دامن بلند تا مچ پا نمایان است. (شکل شماره ۱)



شکل شماره ۱: زنان بومی عهد پارسی - هخامنشی سوار بر اسب

در این نقوش زنان پوشش بسیار مناسب بر تن دارند. «پیراهن آنان ساده بلند، دارای راسته چین و آستین کوتاه است. در پایین دامن از زانو به پایین شرابه هایی تا مچ آویزان است» (راوندی، ۱۳۵۴: ۴۷۶).

زنان این دوره لباسی مشابه مردان نیز می پوشیدند. در تصویری که بر روی یک ظرف گلی که در موزه «هرمیتاژ» است، نشان می دهد (شکل شماره ۲) که زنان پارسی از نوع لباس مردان نیز به تن می کردند.



شکل شماره ۲: پوشش زنی بومی از عهد پارسی - هخامنشی

شکل این لباس ها از نظر دامن و بالاپوش به نحوی است که شانه و آستین آن چون شنل است و به هر هیکلی جور در می آید. دامن نیز در صورتی که قد مرد و زنی با هم اختلاف نداشته باشد می تواند متناسب درآید. بنابراین؛ به نظر می رسد که لباس زنان این دوره ممکن است اختلافی با لباس مردانشان نداشته و یا لباس مردان با اندکی اختلاف مورد استفاده زنان قرار می گرفته است. نویسنده کتاب پوشاک باستانی ایران به فرش پارسیک اشاره کرده و آورده است: «روی این فرش زنانی را نقش کرده اند که لباسی چون مردان پارسی به تن دارند و کفش هایشان همان است که پارسیان به پای کرده اند، فقط اختلافی که در لباس زنان با مردان وجود دارد، تزئینات پیش سینه و شکل بخیه آن است که در برخی زیگزاگ می باشد و طرح پیش سینه تا یقه می پیوندد. (شکل شماره ۳) (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ۷۹).



شکل شماره ۳: فرش پارسیک

۸- حجاب زنان ایران در عهد اشکانیان

آثار به دست آمده از عهد اشکانی نشان می دهد که زنان لباسی تا زانو بر تن می کردند و سربند بر سر می انداختند و همچنین آنان نقابی داشتند. از پوشش های سر که شیوه نسبتاً پیچیده بوده است، نیم تاجی بود که با دستاری بلند بر فراز آن که سربند یا نقاب بر روی آن افکنده بسته می شده است. همچنین، پیراهنی بلند تا به روی زمین پر چین و گشاد بوده است که پیراهن دیگری روی اولی می پوشیدند. قد این یکی نسبت به اولی کوتاه تر و ضمناً یقه باز بوده است که روی این دو پیراهن چادر گونه ای سر می کرده اند. چادر زنان اشکانی به رنگ های شاد و ارغوانی یا سفید بوده است. گوشه سربند در زیر یک تخته فلز منقوش یا دگمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده بسته است. این چادر، به نحوی روی سر می افتاده، که عمامه را در قسمت عقب و پهلوها پوشانیده است. (شکل شماره ۴)



شکل شماره ۴: پوشش زنی از عهد اشکانیان

در موزه لور نقش سنگینی از زنی وجود دارد که در «پالیمر» پیدا شده است. در این نقش زن صفحه ای فلزی مستطیلی شکلی بر سر دارد که گیسوان او از دو طرف به سوی بالا و پشت سر جمع شده است و پشت این صفحه فلزی را چادری گشاد پوشانده است. (شکل شماره ۵)



شکل شماره ۵: پوشش زنی از عهد اشکانیان

به طور خلاصه پوشاک زنان اشکانی را می توان به صورت پیراهنی بلند، حجیم و پر چین تا روی قوزک پا، آستین دارو یقه راست توصیف کرد که پوششی مانند چادر بر روی سر بسته می شده است. ظاهراً کفش زنان همانند کفش هایی بوده که مردان به پا می کرده اند (ایرانیکا، ۱۳۸۲: ج ۵، ۷۳۹).

۹- حجاب زنان در دوره ساسانیان

زنان دوره ساسانی گاهی سربندی گشاد و پر چین بر سر می کرده، که تا وسط ساق پا می رسیده است. در آثار بدست آمده چادرهای زنان کاملاً هویدا است؛ «در طرح بشقابی که شاهزاده ای را در بزم نشان می دهد دو زن دیده می شوند که هر یک دستمالی روی دهان خود به پشت سر بسته اند و هر یک شلواری چون شلوار مردان به پا دارند. قبایی پوشیده اند که تا وسط ساق پا می رسد و قبا در جلو دامن سه چاک و در پشت نیز سه چاک دارد بر سراسر دوره دامن و چاکها حاشیه بسته اندند». از مقایسه نقوش «آناهیتا» چنین به نظر می رسد که زنان عهد ساسانی پیراهن پر چین و گشاد و بلند می پوشیده و با نواری آن را در پایین سینه جمع می کرده و می بسته اند.

کریستین سن عقیده دارد: «الهه ای که به شاه افسر می بخشد قبای سبک یونانی دارد و در روی آن بالاپوشی ستاره نشان پوشیده است و تاجش شبیه تاج اهورا مزداست. از زیر آن چهار رشته گیسو بر دوش و سینه اش افتاده است و این بنا بر شیوه عادی زنان ایرانی عهد ساسانی است» (کریستین سن، ۱۳۵۱: ۴۸۱).

در برخی از نقوش آثار به دست آمده لباس زنان و مردان ساسانی را همانند نشان می دهد، مثلاً؛ در حفاری تورفال و خوچو (Chotsch) نمونه ای از آثار مانویان به دست آمده، که علاوه بر نقش مانی عده ای از اشخاص دست به سینه، ایستاده اند که در پشت سر آنها زنانی به نظر می رسند که از طبقه گزیدگان هستند و لباس آنها با مردان همانند است مگر کلاهشان که با هم فرق دارد. «در پشت سر زنان، نیوشگان را می توان به زحمت تشخیص داد که هم زن و هم مرد، لباس های رنگارنگ و کفش سیاه پوشیده اند» (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ۲۸۸).

آنچه مسلم است زنان عهد ساسانی لباس های رنگارنگ و منقش می پوشیده اند و بر سر پوششی داشته اند. چنان که لباس و حجاب «آزمیدخت» ملکه ساسانی این گونه توصیف شده است: «پیراهن او سرخ ملون و شلوار آسمان گون و تاج بر سر، بر سریر نشسته، به دست راست تبرزینی و چپ تیغ تکیه زده است» (کریستین سن، ۱۳۵۱: ۴۲۷). در نقوش «طاق بستان» نیز زنانی که در شکار گراز، پاروزن قایق ها هستند، جامه هایشان منقوش به دواپری هست که سر گراز در آنها ترسیم شده است. برخی شواهد نشان می دهد که زنان عهد ساسانی محبوب بوده اند، و صورت خود را می پوشانیدند و گیسوان خود را پنهان می کردند (ضیاءپور، ۱۳۴۷: ۲۵۶).

بعد از شکست ایران از عرب ها سه تن از دختران کسری شاه ساسانی را نزد عمر آوردند. آنها با پوشش و نقاب چهره خود را پوشانده بودند. عمر دستور داد با صدای بلند بر سر آنها فریاد کشند که پوشش از چهره بردارند تا خریداران بیشتری پیدا کنند. دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری می کردند، عمر خواست با تازیانه آنان را وادار کند تا چهره خود را آشکار کنند و آنان گریستند. در آن حال حضرت علی (ع) به عمر فرمودند: در رفتارت مدارا کن! از پیامبر (ص) شنیدم که فرمودند: «شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده گرامی دارید». عمر پس از شنیدن فرمایش آن حضرت آتش خشمش فرو نشست (وشنوی، ۱۳۵۲: ۵۹).

آنچه مسلم است زنان دوره ساسانی دارای حجاب بوده اند و زنان والامرتبه و خانواده های بالای جامعه با چهره ای باز در حضور مردان ظاهر نمی شدند. در ایران باستان حجاب جزء سنت های ملی بوده و در آن وقت امتیازات طبقاتی پایه جامعه را

تشکیل می داده است. زنان محتشم ایرانی برای حفظ حرمت و حشمت با پرده نازکی صورتشان را می پوشاندند. این رسم به صورت عادت، رنگ مذهبی به خود گرفت. تا جایی که کسی را یارای گفتگو درباره آنان نبود (صدر، ۱۳۸۷: ۷).

۱۰- یافته

آثار به جامانده از ایران باستان گواه آن است که زنان ایران در عهد هخامنشیان از لباس های مختلف برای پوشش استفاده می کرده و سربندی به روی سر می انداخته اند.

همچنین در عهد اشکانی زنان ایران لباسی را می پوشیده اند که تا مچ پا می رسیده است و پوششی بر روی همه این لباس ها می پوشیده اند. لباس مردان با زنان چندان تفاوتی نداشته ولی زنان نقابی بر چهره می بسته اند.

زنان دوره ساسانی نیز سربندی گشاد و پر چین بر روی سر می انداخته اند که تا وسط ساق پا می رسیده است. آنچه مسلم است، ایرانیان باستان حفظ حجاب را یک نوع وظیفه اخلاقی و سنتی به حساب می آورده و آن را باعث فضیلت و کرامت زن می دانسته اند. زنان علاوه بر لباس هایی که می پوشیده اند سربندی روی این لباس ها می انداخته اند که تا وسط ساق پا می رسیده است.

منابع:

۱. آشتیانی، علی محمد، حجاب در ادیان الهی، اول، اشراق، ۱۳۷۳، تهران.
۲. افهمی، رضا، طراحی، نشریه نگره، دوره ۶، ۱۳۹۰، تهران
۳. اشتهاودی، محمد، حجاب بیانگر شخصیت زن، بی تا، ۱۳۵۴، قم.
۴. انجیل، ترجمه پیروز سیار، دوم، نشر نی، ۱۳۸۷، تهران.
۵. تورات، ترجمه فاضل خان همدانی و هنری مرتن، سوم، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، تهران.
۶. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیرکبیر، ۱۳۵۶، تهران.
۷. جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود فضل، چاپ چهارم، امیرکبیر، ۱۳۸۸، تهران.
۸. دانشنامه ایرانیکا، پوشاک در ایران زمین، ترجمه پیمان متین، امیرکبیر، ۱۳۸۲، تهران.
۹. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ سوم، امیرکبیر، ۱۳۵۴، تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، مفردات، چاپ دوم، دارالفکر، ۱۴۰۷، بیرو
۱۱. رجبی، عباس، حجاب در ادیان و اقوام گذشته، چاپ شمیم یاس، ۱۳۹۰، تهران.
۱۲. شهرزادی، رستم، آموزشهای زرتشت پیامبر ایران، انجمن زرتشتیان، ۱۳۶۷، تهران.
۱۳. صدر، سید رضا، زن و آزادی، بوستان کتاب، ۱۳۸۷، قم.
۱۴. ضیاءپور، جلیل، پوشاک ایران باستان، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۴۷، تهران.
۱۵. ضیاء پور، جلیل، پوشاک هخامنشیها در تخت جمشید، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۱، تهران.
۱۶. طبرسی، فصل بن الحسن معروف به امین الاسلام، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، نشر دارالحیاء، ۱۴۰۳، بیروت.
۱۷. علی بن برهان الدین حلبی، سیره حلبی، نشر دارالحیاء، ۱۴۰۱، بیروت.
۱۸. علوی، هدایت الله، زن در ایران باستان، چاپ اول، هنرمند، ۱۳۷۷، تهران.
۱۹. فردوسی، شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، نشر قطره، ۱۳۷۵، تهران.
۲۰. قرآن، ترجمه الهه قمشه ای، چاپ اول، انتشارات علمی، ۱۳۳۷، تهران.
۲۱. کریستین سن، آرتورامانوئل، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ اول، نشر ابن سینا، ۱۳۵۱، تهران.
۲۲. ماریا بروسوس، زنان هخامنشی، ترجمه هایده مشایخ، چاپ اول، انتشارات هرمس، ۱۳۸۱، تهران.
۲۳. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، چاپ اول، انتشارات صدر، ۱۳۵۷، قم.

۲۴. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱، تهران.
۲۵. وشنوی، قوام، حجاب در اسلام، ترجمه احمد محسنی گرگانی، چهارم، حکمت، ۱۳۵۲، تهران.
۲۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، اقبال، ۱۳۴۳، تهران.

منابع:

1. Ashtiani, A. M. (1994). Hijab in Divine Religions (1st ed.). Tehran: Eshraq Publishing. (In Persian)
2. Afhami, R. (2011). Design. Negareh Magazine, Vol. 6. Tehran. (In Persian)
3. Eshtehardi, M. (1975). Hijab — Expression of Woman's Personality. Qom: n.p. (In Persian)
4. The Bible. (P. Sayyar, Trans.; 2nd ed.). (2008). Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
5. The Torah. (F. Khan Hamadani & H. Marten, Trans.; 3rd ed.). (2009). Tehran: Asatir Publishing. (In Persian)
6. Zaydan, G. (1977). History of Islamic Civilization (A. Jawaherkalam, Trans.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
7. Nehru, J. L. (2009). Glimpses of World History (M. Tafazoli, Trans.; 4th ed.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
8. Encyclopaedia Iranica. (2003). Clothing in Iran (P. Matin, Trans.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
9. Ravandi, M. (1975). Social History of Iran (3rd ed.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
10. Ragheb Esfahani, H. b. M. (1987 AH). Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an (2nd ed.). Beirut: Dar al-Fikr. (In Arabic)
11. Rajabi, A. (2011). Hijab in Religions and Ancient Nations. Tehran: Shamim-e Yas Press. (In Persian)
12. Shahrzadi, R. (1988). Teachings of Zoroaster, Prophet of Iran. Tehran: Zoroastrian Association. (In Persian)
13. Sadr, S. R. (2008). Woman and Freedom. Qom: Boostan-e Ketab. (In Persian)
14. Ziapour, J. (1968). Clothing of Ancient Iran. Tehran: Ministry of Culture and Arts. (In Persian)
15. Ziapour, J. (1972). The Dress of Achaemenids in Persepolis. Tehran: Ministry of Culture and Arts. (In Persian)
16. Tabrasi, F. b. H. (1983 AH). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Hayah. (In Arabic)
17. Halabi, A. b. B. al-Din. (1981 AH). Sirah Halabiyyah. Beirut: Dar al-Hayah. (In Arabic)
18. Alavi, H. (1998). Women in Ancient Iran (1st ed.). Tehran: Honarmand. (In Persian)
19. Ferdowsi. (1996). Shahnameh (S. Hamidian, Ed.; 3rd ed.). Tehran: Ghatreh Publishing. (In Persian)
20. The Qur'an. (E. Ghomshi, Trans.; 1st ed.). (1958). Tehran: Elmi Publications. (In Persian)
21. Christensen, A. M. (1972). Iran During the Sassanid Era (R. Yasemi, Trans.; 1st ed.). Tehran: Ibn Sin a Publishing. (In Persian)
22. Brosius, M. (2002). Women in the Achaemenid Empire (H. Mashayekh, Trans.; 1st ed.). Tehran: Hermes. (In Persian)
23. Motahhari, M. (1978). The Issue of Hijab (1st ed.). Qom: Sadra Publications. (In Persian)
24. Moein, M. (2002). Moein Dictionary (19th ed.). Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
25. Veshnavi, G. (1973). Hijab in Islam (A. Mohseni Gorgani, Trans.; 4th ed.). Tehran: Hekmat. (In Persian)
26. Durant, W. (1964). The Story of Civilization (A. Aram, Trans.; 2nd ed.). Tehran: Eqlal. (In Persian)